

حکمت تمدنی

گزیده آثار استاد احسان یارشاطر

به کوشش و با پیشگفتار

محمد توکلی طرقي



کتاب‌ایران‌نامه

۲۰۱۵



کتاب ایران‌نامه

بنیاد مطالعات ایران
بخش تمدن‌های خاور نزدیک و خاورمیانه
دانشگاه تورنتو



IranNameh Books

Foundation for Iranian Studies
Department of Near and Middle Eastern Civilizations
University of Toronto
4 Bancroft Avenue
Toronto, Ontario, M5S 1C1, Canada
Phone: 1-416-978-2413 | Fax: 1-416-978-3305
Email: editor@irannameh.org

عنوان: حکمت تمدنی: گزیده آثار استاد احسان یارشاطر

نویسنده: احسان یارشاطر

ویراستار: محمد توکلی طرقی

فروست: کتاب ایران‌نامه، کتاب ۲

ویراستاران محمد توکلی طرقی و همایون کاتوزیان

ویراست‌یار: وحید طلوعی

برگ‌آرا: پریسا یزدانجو

طرح روی جلد: مجید عباسی

ناشر: بنیاد مطالعات ایران

محل نشر: تورنتو

سال انتشار: ۱۳۹۴/۲۰۱۵

شابک: ISBN 978-0-9879121-3-8

حکمت تمدنی

گزیده آثار استاد احسان یارشاطر

فهرست

۷	یادداشت نویسنده
۹	پیشگفتار: یار ایران‌شناسی و حکمت یارشاطری
۷۳	بخش اول: شرح حال و یاد آموزگاران
۷۵	۱. شرح حال
۹۱	۲. به یاد پورداود
۹۷	۳. دستبرد نابهنگام اجل
۱۳۵	بخش دوم: ادبیات و هنر
۱۳۷	۴. آستروفسکی: درام‌نویس مشهور روسیه
۱۴۷	۵. آیا می‌توان از نقاشی جدید لذت برد؟
۱۶۹	۶. ژرژ سورا و شیوه امپرسیونیسم نو
۱۸۳	۷. جامبازیان: استاد بالت
۱۸۷	بخش سوم: زبان و تمدن
۱۸۹	۸. زبان و تمدن
۱۹۵	۹. افسانه خلقت در آثار مانوی
۲۱۱	۱۰. رستم در زبان سغدی
۲۱۹	۱۱. آثار بازیافته زبان خوارزمی
۲۲۷	۱۲. چند نکته درباره زبان خوارزمی
۲۳۷	۱۳. زبان‌های ایرانی الموت و رودبار الموت و کوهپایه
۲۴۳	۱۴. زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی
۲۷۵	۱۵. لهجه‌های ایرانی در ایران و در خارج از ایران
۲۸۹	۱۶. غم زبان

۲۹۵	بخش چهارم: تمدن و راز بقا.....
۲۹۷	۱۷. گزارش کنفرانس یونسکو درباره تدریس و تحریر تاریخ.....
۳۱۱	۱۸. شیوه انصاف.....
۳۱۵	۱۹. راه نو.....
۳۲۱	۲۰. مقدمه: دانشنامه ایران و اسلام.....
۳۴۹	۲۱. کیش مزدکی.....
۳۹۳	۲۲. چرا در شاهنامه از پادشاهان ماد و هخامنشی ذکری نیست؟.....
۴۲۱	۲۳. مروری بر تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران پیش از اسلام.....
۴۵۳	۲۴. پیوستگی تاریخ ایران.....
۴۶۱	۲۵. رستاخیز ایران و ظهور زبان و ادبیات ملی.....
۴۷۹	۲۶. در جستجوی راز بقا: مسئله رستاخیز فرهنگی خراسان.....
۵۱۱	۲۷. برخی از ویژگی‌های مشترک شعر فارسی و هنر ایرانی.....
۵۲۳	۲۸. هویت ملی.....
۵۳۱	۲۹. وطن پرستی.....

یادداشت نویسنده

این مجموعه اگر حسنی دارد مدیون همت دانشمند والا آقای دکتر محمد توکلی طرّقی است که مقالات آن را با دقت و پشتکاری که از خصایص ایشان است جُسته و اختیار نموده‌اند و مرا مرهون لطف خود قرار داده‌اند.

بیشتر مقالات این مجموعه نخست در مجلات سخن، یغما، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، راهنمای کتاب، ایران‌شناسی یا ایران‌نامه به طبع رسیده‌اند.

امیدوارم خوانندگان از قرائت آنها پُر ملول نشوند. گزینش و چاپ آنها را مدیون جناب آقای دکتر توکلی طرّقی‌ام.

احسان یارشاطر

دانشگاه کلمبیا، اوت ۲۰۱۵

یار ایران‌شناسی و حکمت یارشاطری^۱

استاد احسان یارشاطر در زندگی پژوهشی پرثمرش یار بی‌همتای ایران‌شناسی و راوی و دانشنامه‌نگار تعصب‌پرهیز تمدن و زبان‌های ایرانی بوده است. با ابتکار، دوراندیشی، دقت علمی، پشتکار و مدیریتی کم‌نظیر، نهادهایی چون بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انجمن کتاب و مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا را برای پیشبرد پژوهش و گسترش دانش ایران‌شناسی بنیاد نهاد. راهنمای کتاب، دانشنامه ایران و اسلام، دانشنامه ایرانیکا و سلسله انتشارات تخصصی فارسی و انگلیسی از جمله فرآورده‌های دانش‌پژوهی و دانش‌گستری ایشان است. آثار مکتوبش به زبان فارسی و انگلیسی در برگیرنده گستره وسیع هنر و ادبیات، زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی و تاریخ ایران و اسلام است. مجموعه مقالات برگزیده ایشان، که بین سال ۱۳۲۷ و ۱۳۸۰ش منتشر شده‌اند، بیانگر حکمت تمدنی یارشاطر در بررسی مستند اجزا و ادوار متفاوت تمدن ایرانی است. بخش نخست این پیشگفتار، "یار ایران‌شناسی"، به شرح مختصر زندگی و کوشش‌های

^۱ در تهیه و تنظیم این کتاب از یاری همکارانی چند برخوردار بودم. بسیاری از مقالات را خانم منصوره کنگاوری حروف‌چینی کردند. در ویرایش و نسخه‌خوانی از دقت و وسواس علمی دکتر وحید طلوعی برخوردار بودم. نسخه نهایی را آقای دکتر احمد هاشمی بازخوانی کرده و به نکات مهمی توجه دادند. طرح روی جلد کار آقای مجید عباسی است. برگ‌آرایی این مجموعه را خانم پریسا یزدانجو بر عهده داشت. چند مقاله نایاب را خانم دکتر آیدا مفتاحی و خانم دکتر مهناز معظمی در اختیارم قرار دادند. انتشار این مجموعه بدون یاری سخاوتمندانه دکتر وحید نوشیروانی ممکن نمی‌بود. از یکایک این یاران و همکاران سپاس گزارم.

پژوهشی استاد یارشاطر می‌پردازد. بخش دوم، "حکمت یارشاطری"، گزیده آثار و حکمت تمدنی ایشان را شرح می‌دهد.

الف. یار ایران‌شناسی

احسان یارشاطر، فرزند هاشم یارشاطر و روحیه میثاقیه، در ۱۲ فروردین ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م در همدان متولد شد. پس از درگذشت مادر و پدرش در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲م، به اصرار دایی‌اش، مهدی میثاقیه، مؤسس استودیو میثاقیه و بنیان‌گذار بیمارستان میثاقیه، برای ادامه تحصیل به تهران رفت. دوره دبیرستان را در دانشسرای مقدماتی به پایان برد و به دانشگاه تهران راه یافت. در ۱۳۲۰ش، در امتحانات رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران "رتبه اول را حاز و به دریافت مدال اول علمی مفتخر" و به "دریافت دانشنامه موفق" گردید.^۲ در سال ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م، رساله دکتری‌اش، "شعر فارسی در نیمه دوم قرن نهم"، را به سرپرستی علی‌اصغر حکمت (۱۲۷۱-۱۳۵۹ش) به پایان رساند. در همان سال، با دریافت بورس تحصیلی از شورای فرهنگی بریتانیا عازم انگلستان شد. پس از آشنایی با والتر برونو هنینگ (Walter Bruno Henning, 1908-1967)، به جای رشته تعلیم و تربیت به تحقیق در گستره زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی پرداخت. در ۱۳۳۱ش/۱۹۵۲م، دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه لندن به پایان رساند. پس از بازگشت به ایران، یارشاطر به پژوهش میدانی در گستره لهجه‌های ایرانی پرداخت و در ۱۳۳۹ش/۱۹۶۰م، از رساله دکتری‌اش، "لهجه تاتی جنوب قزوین" (The Tati Dialect Spoken in the South of Qazvin) که به سرپرستی والتر هنینگ نوشته بود، با موفقیت دفاع کرد.^۳

یارشاطر تدریس را با دبیری در دبیرستان علمیه تهران در ۱۳۲۱ش/۱۹۴۲م آغاز کرد. پس از یک سال تدریس در علمیه تهران، به معاونت دانشسرای مقدماتی منصوب شد. پس از دریافت دکترا از دانشگاه تهران، در ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م به دانشجویی زبان و ادبیات فارسی در دانشکده الهیات برگزیده شد. پس

^۲ به نقل از "جشن فرهنگ در تالار دانشکده حقوق دانشگاه"، آموزش و پرورش، شماره ۹ و ۱۰ (آذر و دی ۱۳۲۰)، ۶۸-۷۷؛ نقل‌ها به ترتیب از ۷۲ و ۷۳.

^۳ پس از تحقیقات و تغییراتی گسترده، این رساله در ۱۹۶۹م چاپ شد:

Ehsan Yarshater, *A Grammar of Southern Tati Dialects* (The Hague: Mouton, 1969).

از بازگشت از لندن، "در یکصد و بیست و نهمین جلسه شورای دانشکده ادبیات" در اردیبهشت ۱۳۳۲ش "صلاحیت آقای دکتر احسان‌الله یارشاطر برای دانشیاری کرسی زبان اوستا و فارسی باستان به تصویب رسید."^۴ در بهار ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م، شورای دانشگاه تهران به پیشنهاد دانشکده ادبیات پذیرفت که "آقای دکتر احسان یارشاطر، دانشیار دانشکده ادبیات، برای تدریس زبان فارسی و فرهنگ و ادبیات ایران در دانشگاه کلمبیا برای مدت یک سال به امریکا بروند."^۵ در گزارشی از "مأموریت یک ساله خود در دانشگاه کلمبیا، یارشاطر به "ریاست دانشکده ادبیات" نوشت:

موادی که تدریس آنها برحسب دعوت دانشگاه کلمبیا در سال تحصیلی گذشته به عهده اینجانب گذاشته شده بود عبارت بود از ۱. متون ادبی فارسی، ۲. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران پس از اسلام و ۳. میراث ایران. همه این مواد متعلق به دوره‌های بعد از لیسانس بوده، از این میان درس تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره‌های اسلامی بیش از سایر دروس دانشجو داشت. پس از آن، درس متون ادبی فارسی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. گذشته از دروس مزبور، تدریس قسمتی از درس "زبان‌ها و مردم اتحاد جماهیر شوروی،" یعنی زبان‌ها و مردم ایرانی اتحاد جماهیر شوروی، به عهده بنده قرار داشت. برحسب حسن ظن برخی از اولیای دانشگاه کلمبیا و همچنین توجه خاص دانشگاه مزبور به فرهنگ و زبان و تمدن کشورهای خاورمیانه، از اینجانب دعوت شد که سال آینده نیز، در صورت تصویب شورای دانشکده، به تدریس مواد فوق و همچنین زبان فارسی باستان (دستور زبان و تفسیر کتیبه‌های هخامنشی) و زبان پهلوی (آثار زرتشتی و مانوی) بپردازم.^۶

یارشاطر پس از شرح فعالیت‌های پژوهشی خویش افزود:

در نیویورک انجمنی از دانشجویان ایرانی و سایر دوستداران فرهنگ و تمدن ایران تشکیل شد. مظاهر فرهنگ و هنر و ادبیات و تمدن ایران

^۴ "صلاحیت دانشیاری،" مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۱، شماره ۱ (مهر ۱۳۳۲)، ۱۱۶.

^۵ "تدریس زبان و فرهنگ و ادبیات ایران در دانشگاه کلمبیا،" مجله دانشکده ادبیات، سال ۵، شماره ۴ (تیر ۱۳۳۷)، ۸۷.

^۶ احسان یارشاطر، "اخبار دانشکده ادبیات،" مجله دانشکده ادبیات، سال ۷، شماره ۱ (مهر ۱۳۳۸)، ۹۲-۹۳؛ نقل از ۹۲.

موضوع بحث جلسات آن بود و روی هم رفته جلسات آن بی توفیق نبود. در مدت اقامت خود در امریکا اینجانب کوشیدم تا در برآوردن انتظار دانشگاه کلمبیا و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران و معرفی وجوه مطلوب کشور خود در حد مقدور کوتاهی نشود و نماینده نادرخوری از دانشگاه تهران نباشم. اما جز مدعی کوشش در این باب نیستم.^۷

همچنان که یارشاطر پیش‌بینی کرده بود، دانشگاه کلمبیا قرارداد ایشان را با سمت دانشیار مهمان یک سال دیگر تمدید کرد و سال تحصیلی ۱۹۵۹-۱۹۶۰م را نیز در کلمبیا به تدریس پرداخت. پس از تأسیس کرسی ها کوپ کورکیان در ایران‌شناسی (Hagop Kevorkian Chair in Iranian Studies)، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گزارش داد:

دانشگاه کلمبیا از چندی پیش در صدد تأسیس کرسی مستقلی برای مطالعات ایرانی (زبان و ادبیات فارسی، تاریخ ایران، زبان‌ها و ادبیات پیش از اسلام) بود. در سال جاری، این منظور صورت عمل به خود گرفت و کرسی مذکور تأسیس یافت. برای تصدی کرسی مذکور، دانشگاه کلمبیا از آقای دکتر احسان یارشاطر، استاد زبان‌های فارسی باستان و اوستایی دانشکده ادبیات، دعوت نمود و با تصویب شورای دانشکده و مقام ریاست دانشکده ادبیات، آقای دکتر یارشاطر بدین منظور قریباً به امریکا مسافرت خواهند نمود.^۸

برای این کرسی، یارشاطر نامزد بی‌نظیری بود. در کنار مقالاتی که در پیام نو، یغما، مهر، آموزش و پرورش، سخن و مجله دانشکده ادبیات به چاپ رسانده بود، در ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م، ترجمه فارسی الاشارات و التنبیهات و نیز پنج رساله ابن‌سینا^۹ را منتشر کرده بود و رساله دانشگاه تهرانش را در ۱۳۳۴ش تحت عنوان شعر فارسی در عهد شاه‌رخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر

^۷ یارشاطر، «اخبار دانشکده ادبیات»، ۹۳.

^۸ استاد کرسی مطالعات ایرانی در دانشگاه کلمبیا، «مجله دانشکده ادبیات، سال ۹، شماره ۱ (مهر ۱۳۴۰)، ۱۴۶.

^۹ شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، ترجمه فارسی الاشارات و التنبیهات، با مقدمه و حواشی و تصحیح احسان یارشاطر (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۲)؛ شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، پنج رساله: تصنیف شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، با مقدمه و حواشی و تصحیح احسان یارشاطر (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۳۲).

فارسی به چاپ رسانده بود.^{۱۰} سعید نفیسی در معرفی این کتاب نوشت:

از روزی که مرحوم قزوینی روش نوین اروپایی را در تحقیق دربارهٔ ادبیات در میان ایرانیان گذاشت درست پنجاه سال می‌گذرد. در این نیم‌قرن باید با کمال صراحت گفت ایرانیان این راه را چنان خوب کوبیده‌اند که نه تنها دیگر حاجتی به دانشمندان اروپا ندارند، بلکه دانشمندان اروپا را به خود محتاج کرده‌اند و آن روزگاری که ما در یوزه‌گر خاورشناسان بودیم درنور دیده شده است. . . . کتابی که آقای دکتر یارشاطر انتشار داده نمونهٔ خوبی از رشد دانشمندان ما در این زمینه است. در این کتاب حق مطلب با بهترین روش علمی داده شده است.^{۱۱}

یارشاطر دو سال پس از انتشار شعر فارسی در عهد شاهرخ، داستان‌های ایران باستان را چاپ کرد که در ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م برندهٔ جایزهٔ سلطنتی شد.^{۱۲} داستان‌های شاهنامه نیز که در ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م چاپ شده بود، در ۱۹۵۹م برندهٔ جایزهٔ یونسکو شد. در کنار کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی، یارشاطر چندین مقاله نیز به انگلیسی دربارهٔ لهجه‌های خلخال و تاتی کجل، نوروز، ادبیات فارسی در ۵۰ سال اخیر و شراب و شراب‌نوشی چاپ کرد.^{۱۳}

اما آموزش و پژوهش فقط گوشه‌ای از فعالیت‌های چشمگیر احسان یارشاطر بود. در ۱۳۳۳ش/۱۹۵۴م و پس از بازگشت از لندن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب را

^{۱۰} احسان یارشاطر، شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمهٔ اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۴).

^{۱۱} سعید نفیسی، «سه کتاب در یک ماه»، یغما، سال ۹، شماره ۵ (مرداد ۱۳۳۵)، ۲۳۳-۲۳۶؛ نقل از ۲۳۴ و ۲۳۵.
^{۱۲} احسان یارشاطر، داستان‌های ایران باستان (تهران: وزارت فرهنگ، ادارهٔ مطالعات و برنامه‌ها، شعبهٔ مواد درسی، ۱۳۳۶).

^{۱۳} Ehsan Yarshater, "Preliminary Information on Shahrall, the Iranian Dialect of Khalkhal," *Akten des XXIV internationalen Kongresses* (Munich, 1957), 458-460; Ehsan Yarshater, "The Dialect of Shāhrūd (Khalkhāl)," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 22:3 (1959), 52-68; Ehsan Yarshater, "Now Ruz: The New Year Celebration in Persia," *Iran Review*, 4:3 (March 1959), 12-15; Ehsan Yarshater, "Persian Letters in the Last Fifty Years," *Middle Eastern Affairs*, 11:10 (1960), 297-306; Ehsan Yarshater, "The Tāti Dialect of Kajal," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 23:2 (1960), 275-286; Ehsan Yarshater, "The Theme of Wine-drinking and the Concept of the Beloved in Early Persian Poetry," *Studia Islamica*, 13 (1960), 43-53.

بنیاد گذاشت و فرّوست‌های بی‌نظیری چون متون فارسی، ایران‌شناسی، ادبیات خارجی، آثار فلسفی، ادبیات برای جوانان، خواندنی‌های کودکان و معارف عمومی را در شکلی برازنده و ویرایشی سامانمند به خوانندگان عرضه کرد. مجلهٔ یغما در گزارشی از بنگاه ترجمه و نشر کتاب در آذر ۱۳۳۴ نوشت: "اغراق نیست اگر گفته شود که این مؤسسه خود دانشگاهی است سیار که همگان از آن انتفاع و سود توانند برد و به‌حقیقت باید از اقدامی بدین پایه مؤثر و مفید، همهٔ فارسی‌زبانان جهان ممنون و سپاس‌گزار باشند."^{۱۴} بر اساس آمار موجود تا سال ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷م، این بنگاه ۱۴۶ جلد کتاب به چاپ رساند که پس از انتشارات دانشگاه تهران و سازمان کتاب‌های جیبی در مقام سوم نشر در ایران قرار داشت.

زمینه‌های نوآوری انتشاراتی یارشاطر به این گستره محدود نبود. در سال ۱۳۳۶ش، یک سال پیش از آنکه در مقام دانشیار مهمان به دانشگاه کلمبیا در نیویورک برود، انجمن کتاب را بنیاد گذاشت "تا در ترویج کتب سودمند بکوشد و دوستداران کتاب را در انتخاب کتب یاری کند و از طریق انتقاد صریح و بی‌طرفانه در اصلاح کتب و پیشرفت کار نویسندگان قدم مؤثری بردارد."^{۱۵} راهنمای کتاب: مجلهٔ معرفی و انتقاد کتاب یکی از فرآورده‌های مهم این کوشش بود. این نشریه، که یارشاطر صاحب امتیاز آن بود، تا سال ۱۳۵۸ش/۱۹۷۹م به مدت ۲۱ سال منتشر شد. یادداشت‌های یارشاطر، نشان‌دهندهٔ ذهنی جوینده، آینده‌نگر و مشکل‌گشاست. برای نمونه، در یکی از این یادداشت‌ها در چاره‌جویی "برای پیشرفت علم" نوشت: "یکی از مهم‌ترین کارهایی که در پیش داریم تأسیس کتابخانه‌ای است که به کار تحقیقات علمی بخورد... کتابخانه‌ای که بتواند برای تتبعات علمی مفید باشد. . . اگر بناست موضوع 'تحقیقات علمی' به صورت جدی دنبال شود، شرط اول آن برقرار کردن کتابخانه‌ای مجهز و پُرمایه است."^{۱۶} در شمارهٔ دیگری به ترسیم "دورنمای آینده" پرداخت: "آنچه شوق زندگی را در درون ما زنده نگاه می‌دارد امید آینده است." اما آینده‌نگری پژوهشی یارشاطری همیشه با پُر تلاشی و خدمتگزاری بی‌درنگ همراه بود: "اگر امید داریم که فردا ما نیز در جهان دانش سهمی داشته باشیم و از گروه غافلان نباشیم، باید امروز برای آینده طرحی دقیق و روشن

^{۱۴} "بنگاه نشر کتاب،" یغما سال ۸، شماره ۹ (آذر ۱۳۳۴)، ۴۱۷-۴۱۸؛ نقل از ۴۱۷.

^{۱۵} انجمن کتاب (تهران: انجمن کتاب، ۱۳۳۶)، ۲.

^{۱۶} احسان یارشاطر، "مشکل ما،" راهنمای کتاب، سال ۲، شماره ۱ (بهار ۱۳۳۸)، ۳-۷؛ نقل از ۳ و ۵.



راهنمای کتاب

سال سوم

(۱۳۳۹)

صاحب امتیاز : احسان یار شاطر

مدیر : ایرج افشار

سرمدیر : مظفر مقرری

Rahnema-ye Ketab
The Journal of the Book Society of Persia
Tehran
1339 A. H. (1960 - 1961)



راهنمای کتاب

شماره یازدهم و دوازدهم سال پنجم

بهمن و اسفند ۱۳۴۱

احسان یار شاطر

گفتگو

«مرحوم ابوالقاسم خان ناصر الملک پس از پایان تصدی نیابت سلطنت در سال ۱۲۹۳ شمسی بسن پنجاه و هشت سالگی عازم اروپا گردید. شبی در حضور جمعی از دوستان که نزد ایشان گرد می آمدند و از هر دری سخن میراندند صحبت از شاعر انگلیسی ویلیام شاکسپیر بمیان آمد و یکی از حضار اظهار نمود که ترجمه منظومات و نقل معانی و عبارات آن شاعر شهیر بزبان فارسی امکان پذیر نمی باشد. ناصر الملک با این عقیده موافق نبود و از راه آزمایش و تقنین در صدد برآمد چند سطر از یکی از آثار نویسنده را ترجمه نماید و باین منظور تصادفاً نمایشنامه اتلو انتخاب گردید. تفریح يك شب و ترجمه چند جمله، ایشان را بر آن داشت که تمام داستان را بفارسی در آورد...»

این عبارات از مقدمه ایست که آقای حسینعلی قراگوزلو، فرزند دانشمند و صاحب ذوق مرحوم ناصر الملک بر چاپ ترجمه مزبور (پاریس- مطبعة ملی- ۱۹۶۱) نگاشته است.

ترجمه مرحوم ناصر الملک را از «اتلو» و «بازرگان ونیزی» نگارنده

فراهم کنیم و اکنون، به آن بیردازیم... چنین طرحی که آینده علمی ایران را روشن کند و انسان را به فردای امیدبخشی خوشدل سازد هنوز وجود ندارد.^{۱۷}

با این آینده‌نگری پژوهشی و توانمندی فرهنگی و علمی، یارشاطر در سال ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م در نیویورک مستقر شد. اگرچه تا سال ۱۳۵۷ش ارتباط نزدیکی با همکارانش در ایران داشت و از دور و نزدیک بر کارهای بنگاه ترجمه و نشر، انجمن کتاب و راهنمای کتاب نظارت می‌کرد و به کارهای بزرگی چون انتشار دانشنامه ایران و اسلام نیز اقدام کرد، اما کارایی و توانش به شکل روزافزونی در خدمت دانشگاه کلمبیا و گسترش دامنه ایران‌شناسی در امریکا قرار گرفت. با همتی بلند و حضوری پیگیر، در ۱۹۶۷م مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا را تأسیس کرد. همچنان که در "شرح حال" خویش در این مجموعه نوشته است، در اندک‌مدتی این مرکز ایران‌شناسی "یکی از پُراثرترین مراکز دانشگاه کلمبیا و فعال‌ترین مرکز شناساندن فرهنگ و تاریخ ایران در امریکا گردید." فرَوست‌های بی‌نظیر و ماندگاری چون مجموعه میراث ایران (Persian Heritage Series)، مجموعه ادبیات معاصر ایران (Modern Persian Literature Studies Series)، تاریخ ادبیات فارسی (A History of Persian Literature Series)، تاریخ‌شناسی کلمبیا (Columbia Lectures in Iranian Studies)، مجموعه هنر ایران (Persian Art Series)، ترجمه انگلیسی تاریخ طبری (*The History of al-Tabari*) و مجموعه متون فارسی (Persian Text Series) جلوه‌هایی از تلاش خستگی‌ناپذیر یارشاطر برای پیشبرد ایران‌شناسی در گستره‌های متفاوت است.

دانشنامه ایرانیکا (*Encyclopaedia Iranica*) یکی دیگری از کارهای برجسته و دوراندیشانه‌ای است که فقط با پشتکار و مدیریت ایران‌شناسی چون احسان یارشاطر عملی بود. این کار بنیادین، که ادامه دانشنامه ایران و اسلام بود،^{۱۸} مرجعی جامع و بی‌همتا برای ایران‌شناسان و دانش‌پژوهان است. با نشر آنلاین (iranicaonline.org)، دانشنامه ایرانیکا به خوانش‌سرای بی‌همتایی برای جویندگان همه‌گونه دانستی‌های معتبر و مستند درباره تاریخ و تمدن و

^{۱۷} احسان یارشاطر، "دورنمای آینده"، راهنمای کتاب، سال ۳، شماره ۳ (شهریور ۱۳۳۹)، ۳۱۱-۳۱۴؛ نقل‌ها به ترتیب از ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۴.

^{۱۸} دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴).

فرهنگ و ادبیات تبدیل شده است. این اعتبار همه‌گیر نتیجه دقت علمی و کوشش‌های دانشمندانۀ یارشاطر و همکاران ایران‌شناس اوست.

در نیویورک، پیش و پس از انقلاب، یارشاطر یار و مشاور تمامی کسانی بود که در گسترۀ ایران‌شناسی گام برمی‌داشتند.^{۱۹} یاری ایشان برای انتشار مجله‌های ایران‌نامه و ایران‌شناسی و تأسیس و تحکیم انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی (International Society for Iranian Studies)، بنیاد امریکایی ایران‌شناسی (American Institute of Iranian Studies) و مراکز دانشگاهی، پژوهشی و فرهنگی در فراسوی ایران در سال‌های پس از انقلاب جلوه دیگری از خدمات ارزنده و چندبُعدی یارشاطر به ایران‌شناسی است.

ب. حکمت تمدنی

جستارهایی که در این مجموعه گردآوری شده‌اند بیانگر دانش ژرف و چندگستره‌ای استاد احسان یارشاطر است. این حوزه‌های درهم‌آمیخته شامل فرهنگ و هنر جهانی، زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی، کیش مانوی و مزدکی، تاریخ تمدن ایران و اسلام، دانش‌نامه‌نویسی و یادها و یادبودهاست. در تنظیم این گزیده‌ها، که نشان‌دهندۀ ادوار متفاوت زندگی پژوهشی و روشنفکری یارشاطر است، کوشیده‌ام که تا حد ممکن انسجام موضوعی و ترتیب تاریخی گزیده آثار رعایت شود. بدین سبب، جستارهای برگزیده در این کتاب به چهار بخش موضوعی تقسیم شده‌اند: ۱. شرح حال و یاد آموزگاران؛ ۲. ادبیات و هنر معاصر؛ ۳. زبان و تمدن؛ ۴. تمدن و راز بقا. برای کاهش حجم این کتاب از چاپ نقد کتاب‌ها و یادداشت‌های استاد یارشاطر پرهیخته‌ام. امیدوارم مجموعه یادداشت‌ها و نقدهای پژوهشی او، که در نشریات متفاوت منتشر شده‌اند، در مجموعه‌ای مستقل چاپ شود.

در ویرایش این جستارها، که بین سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۸۰ش منتشر شده‌اند، رسم‌الخط و شیوه‌نامۀ ایران‌نامه به کار رفته است. در نخستین ارجاع، تا حد ممکن،

^{۱۹} برای نمونه بنگرید به محمد استعلامی، "حدیث ارادت دیرین"، ایران‌نامه، سال ۳۰، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۴)، ۲۲-۲۸؛ جلال متینی، "با استاد احسان یارشاطر"، ایران‌نامه، سال ۳۰، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۴)، ۳۰-۳۴؛ تهران، خیابان اشیر هادی: نامه‌های احمد شاملو به ع. پاشایی (چاپ ۲؛ تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۲)، ۷۴-۷۸ و ۱۰۲-۱۰۳.



راهنمای کتاب

سال چهارم

شماره پنجم و ششم

مرداد و شهریور ۱۳۵۰

شعر در ناصر

شیوه نو و کین در شعر معاصر، موضوع بحث جلسهٔ اینجین کتاب (در خرداد ماه) بود. مباحثان اصلی آقایان دکتر ذبیح‌الله صفا (مدیر بحث) و حاتم دولت‌آبادی (شیوه‌کهن) و نادر نادرپور (شیوهٔ نو) و پدیده روبانی (شیوهٔ تندرو) بودند. خلاصهٔ بحث در اینجا درج میشود و برای تکمیل مقصود (درین شماره) نمونه‌هایی از شعر شاعرانی که آثار شیوهٔ نو دارند، درجی می‌آید.

دکتر یارشاطر موضوع بحث امروز «تجددطلبی» و «محافظه‌کاری» در شعر فارسی است. این دنبالهٔ بحثی است که در بارهٔ هنر معاصر در جلسات انجمن آغاز شده است و سابقاً در جلسه‌ای که آقای علی‌نقی وزیرری مدیریت بحث را بعهده داشتند آقایان دکتر صورتگر و نادر نادرپور مقدمهٔ درین باره سخن گفته‌اند. امید است گفتگوی امروز مطلب را روشنتر کند.

بعضی ممکن است به تقسیم شعر بکهنه و نو معتقد نباشند و بحق بگویند شعر را خوب و بد تقسیم باید کرد و شعر خوب همیشه نواست. اما از طرفی اختلاف سلیقه و نظر میان آنانکه پای بند سنت و سابقه‌اند و هر تحولی را در دایرهٔ معناد و مألوف می‌پسندند و آنانکه کمان دارند باید سدهای سنت و سابقه را بشکنند و شعری نو در اندازند برجاست. این اختلاف هنگامی که جامعهای دستخوش تحول بود کمر کونی است بیشتر محسوس است و صورتی حاد بخود می‌گیرد و انکار آن بیهوده است. شعری که با کمان ابرو و کمند کیهو بدهن می‌آید و پای بند اوزان عروضی و دیگر قواعد شعری است و تعبیرات استادان کهن را بنکار می‌برد یا شعری که با گریز از قواعد شعری و شکستن اوزان و ضعف آهنگ و تعبیرات نو ممتاز است و بعضی آنرا نوع شعر «جیب بقیش» میخوانند متعلق بدو مکتب است که تفاوت اساسی دارند. غرض از بحث امروز اینست که روشن شود شعر امروز و آیندهٔ ما در کدام راه باید سیر کند.

بانوان و آقایان گرامی کاملاً اطلاع دارند که ادبیات مادر حال حاضر، دکتر ذبیح‌الله صفا خلاف آنچه عده‌بی‌از بدینسان تصور می‌کنند؛ بهیچ وجه در راه انحطاط و زوال سیر نمی‌کند بدیهی است که عهد ما با يك تحول بسیار نیرومند فرهنگی و مدنی همراه است و این تحول و حتی تکان شدید، مسلماً در بسیاری از شؤون زندگی ما و از آن جمله در